

شهر دار مشهد در جمع سیاست گذاران جشنواره ابوذر:

ابوذر، نماد جهاد رسانه ای است



محمدرضا قلندرشریف، شهردار مشهد مقدس، یکشنبه شب مصادف با ۱۷دی، در جلسه ای که با اعضای شورای سیاست‌گذاری جشنواره ابوذر داشت درباره رسالت و اهمیت این جشنواره سخن گفت.

او جشنواره ابوذر را نماد جهادرسانه ای دانست و از این گفت که این جهاد در طول سالیان اخیر در جریان بوده و امروز به عنوان یک نیاز اصلی کشور در زمینه مقابله با تهاجمات رسانه ای محسوب می شود. قلندرشریف همچنین به این نکته اشاره کرد که موضوع های خبری مدیریت شهری باید جایگاه پررنگی در این جشنواره داشته باشد و سیاست‌گذاران برگزاری این جشنواره، با توجه به میزان حساسیت فعالیت ها و ارائه خدمات مدیریت شهری به مردم، باید زمینه را برای حضور پررنگ تر موضوع های مرتبط به مدیریت شهری در این جشنواره فراهم کنند.

شهردار مشهد در بخش دیگری از صحبت های خود با تأکید بر اینکه هویت مشهد در جشنواره ابوذر به صورت جدی به آن توجه می شود گفت، تمام فعالیت هایی که درراستای تقویت و تثبیت نشان مشهد در بین کلان شهرهای کشور و شهرهای اسلامی دنیا باشد درخور تقدیر و ارزشمند است.

● ۴هزار اثر برای هفتمین دوره جشنواره ابوذر

در این نشست همچنین مهدی شاد، رئیس بسیج رسانه خراسان رضوی، به تعداد آثار دریافتی امسال در مقایسه با سال گذشته اشاره کرد و گفت؛ هفتمین دوره جشنواره ابوذر هم‌زمان با دهه فجر برگزار می‌شود و تا این لحظه میزان آثار دریافتی نسبت به سال گذشته باشد ۱۱درصدی روبه رو بوده و به بیش از چهارهزار اثر رسیده است. این در حالی است که در دوره قبل، جشنواره ابوذر میزبان ۳هزار و ۸۰۰ اثر رسانه‌ای بود. شاد همچنین به این نکته اشاره کرد که جشنواره ابوذر خراسان رضوی سال گذشته توانست به واسطه کیفیت آثار و برگزاری قدرتمند، رتبه اول جشنواره‌ای را در بین ۳۱ مرکز استان دیگر به دست بیاورد.



حنیف قریشی یک‌سال پس از حادثه‌ای که برایش پیش آمد،

از بیمارستان به خانه رفت

مردی که هرگز لب‌خند نمی‌زند



حنیف قریشی، نویسنده و فیلم‌نامه‌نویس شناخته‌شده، می‌گوید پس از حادثه تلخی که سال گذشته برایش رخ داده بود باید خود را با «یکی دیگر شدن» وفق دهد. به گزارش ایسنا، این نویسنده بریتانیایی-پاکستانی سال گذشته هنگام پیاده روی در شهر رم ایتالیا زمین‌خورد و حالا در نخستین مصاحبه خود صراحتاً درباره اینکه دیگر توانایی استفاده از دست‌ها، بازوها یا پاهایش را ندارد و حس استقلالش ناپایده شده، صحبت کرده است.

قریشی با بیان اینکه از زمان حادثه احساس می‌کرده به یک «نمایشگاه» تبدیل شده که توسط پزشکان محاصره شده است، می‌گوید؛ در ابتدا این موضوع تحقیرآمیز است و بعد متوجه شدم که واقعا مهم نیست. خیلی سریع متوجه می‌شوی که بدنت دیگر متعلق به تو نیست... و مدام توسط پرستاران و پزشکان مختلف تر و خشک می‌شوی. در این اوضاع شما هرگونه احساس حریم خصوصی را کنار می‌گذاری؛ از بدن خود، از ذهن خود، از روح خود، از هر چیزی که درباره شما وجود دارد.

او حالا خودش را چیزی یافته غیر از آنچه پیش از این بوده است؛ باید خود را با تبدیل شدن به یک فرد دیگر با روابط متفاوت، با افراد مختلف وفق دهد. باید راهی برای زندگی در این اوضاع پیدا کنم. وحشتناک است، من نمی‌خواهم این کار را انجام دهم، اما باید هر روز کارهایی را انجام دهم که واقعا نمی‌خواهم انجام دهم.

او درباره اتفاقی که سال گذشته در ایتالیا برایش رخ داد نیز توضیح می‌دهد؛ «مُردن به این شکل احمقانه بود. در آن لحظه به ذهنم رسید که همه می‌میرند و همه آن لحظه را خواهند داشت و فکر کردم، خب، این لحظه من است و نسبتاً غیرمنتظره است؛ بااین حال فکر کردم کارم هنوز تمام نشده است، چیزهای زیادی وجود دارد که واقعا می‌خواهم انجام دهم و هنوز برای مردن آماده نیستم».

این نویسنده می‌گوید پس از وقوع این حادثه حس شوخ طبعی خود را از دست داده و یکی از پرستاران به او لقب «مردی که هرگز لب‌خند نمی‌زند» داده است.

قریشی به بی‌بی‌سی گفته است: باید یک راه کاملاً جدید برای نوشتن پیدا کنم. دیگر نمی‌توانم ساعت‌ها پشت میزم بنشینم... نمی‌توانم از دستانم استفاده کنم، نمی‌توانم از خودکار استفاده کنم. بنابراین، فقط باید حرف‌هایم را روایت کنم.

حانف قریشی نخستین بار سال ۱۹۸۵ برای فیلم‌نامه «خشتوی خانه زیبای من» نامزد اسکار شد. تاکنون آثار متعددی مانند «اگر گابریل نبود»، «زنی که از حال رفت»، «عشق سال‌های غم»، «وطن من کجاست؟» و «نزدیکی» از او به فارسی برگردانده شده است.

خادم



درباره‌اش می‌نویسند یا از داستان‌ها و شخصیت‌ها و درون‌مایه‌اش برای خلق آثار ادبی و هنری الهام می‌گیرند. بررسی آن از دیدگاه جامعه‌شناسی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و زوایای دیگر کاری است که پژوهشگران و صاحب‌نظران به آن مشغول هستند. در دو سال گذشته کتاب‌های متنوع و بسیاری درباره‌شاهنامه و فردوسی منتشر شده که تأییدی است بر زنده بودن این اثر کهن و گران‌قدر فارسی. در این مطلب چند نمونه از کتاب‌های تازه منتشرشده در این باره را به صورت کوتاه معرفی کرده‌ایم.

● از شاهنامه تا رمان

متون کلاسیک در دنیا از منابع لایزال برای الهام واقتباس هستند. هنر و ادبیات غرب هنوز از آیشخور ایلیاد و ادیسه بهره‌می‌برد، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم. آثار شکسپیر دست‌مایه ساخت برخی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینماست و تأثیرهایی که براساس آن‌ها در کشورهای مختلف روی صحنه رفته، از شمار خارج است. شاهنامه فردوسی که برخی آن را بزرگ‌ترین اثر حماسی بشر دانسته‌اند، آن‌قدر مایه‌دارد که بتوان پس‌از هزاروندی سال هم ایده‌های پکر از آن برگرفت یا با نگاهی نواز داستان‌ها، شخصیت‌ها و درون‌مایه‌های آن استفاده کرد و اثری امروزی را با تکیه بر آن نوشت یا ساخت. اعظم نیکخواه فاردقی در کتابی با عنوان «از شاهنامه تا رمان» با زیرعنوان «فرخوانی شخصیت‌های شاهنامه به رمان فارسی به مثابه کنش اجتماعی»، رمان‌های فارسی منتشر شده در دو دهه، از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ را بررسی کرده است تا تأثیر شاهنامه را در این آثار نشان دهد. او در پیشگفتار کتاب، شاهنامه فردوسی را شاهکاری برشمرده که به دلیل قابلیت تأویل پذیری اش همواره الهام بخش نویسندگان و شاعران بوده است.

دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد نیز در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، هنر را از مؤثرترین ابزارهای دنیای امروز برای گفت‌وگو برشمرده و شاهنامه را پیش‌متنی فرهنگی دانسته است که می‌توان از جهت‌های مختلف از آن بهره‌برداری کرد؛ «آثار جاودان کلاسیک با آنکه در زمان خود ظرفیت بالایی برای مخاطبان آن روزگار داشته‌اند، می‌توانند در هر دوره و در هر نقطه دیگر متناسب با زمان و مکان، لایه‌ای از استعاره‌ها و ظرفیت‌های زمانی را به نمایش بگذارند و تمایلات و خواسته‌های مردمان زمان خود را بازتابانند و به آن‌ها راه‌های نافرته‌ای را نشان دهند که پیش از آن ورود به آن برایشان تصورشدنی نبوده است.

● فکر سیاسی در شاهنامه فردوسی

معرفی چند کتاب تازه منتشرشده درباره شاهنامه

برپایه کاخ بلند فردوسی



امر سیاسی، سیاست‌ورزی، مسئله قدرت، شیوه حکومت‌داری و آداب ملک‌داری ستون فقرات و دغدغه اصلی شاهنامه است و همه داستان‌ها و درام‌ها و تراژدی‌های دیگر در حاشیه یادریوستار با آن شکل می‌گیرد و پرورده می‌شود. مقالات و کتاب‌های بسیاری با توجه به این مباحث نوشته‌شده که «تراژدی قدرت در شاهنامه»، نوشته زنده یاد مصطفی رحیمی یکی از آن‌هاست. «فکر سیاسی در شاهنامه فردوسی» از این دست آثار است که به سعی وحید بهرامی به دست آمده است.

اودر پیشگفتار کتاب، هدفش از نوشتن این اثر را «کنکاش و تبیین یک اندیشه سیاسی واحد و کامل از تفکر سیاسی ایرانشهری و آیین حکومت‌داری متناسب باخلق و خوی جامعه ایرانی که طی هزاران سال تکامل یافته» بیان می‌کند. همچنین این کتاب را تلاشی می‌داند برای نشان دادن لایه‌های ذهنی و عینی هویت اندیشه سیاسی که شاید برای اداره کشور در اوضاع کنونی، چاره‌ساز باشد.

اما چرا شاهنامه؟ بهرامی در مقدمه و پس از توضیحاتی آورده است: «شاهنامه از



درباره شعر «استاد شطرنج باز را چه کسی کشته است؟» سروده کیوان نریمانی

یک تجربه شعری دلپذیر

«تذکره الاولایا» عطار، پاره‌هایی از غزل «ابوالقاسم لاهوتی»، دفاعیات «دکتر تقی ارانی» در دادگاه، استنطاقات «میرزا رضای کرمانی» و قطعاتی از آلبوم معروف «بارگشت به سیاهی» آمی وایتهاوس، خواننده بریتانیایی به زبان انگلیسی، ناگفته‌نماند، واژه‌نامه مختصری که در سه صفحه و در پایان کتاب درج شده و به نوشته شاعر «برابر [معادل] برخی واژه‌ها و گزاردۀ‌های دیرپای و یا بر ساخته» را، به ترتیبی که در شعر آمده‌اند، در خود جای داده است، یاریگر خواننده در فهم پاره‌هایی از شعر است و نیز آغازگر مناسبی برای شروع جست‌وجوهای بیشتر و پردامنه‌تر پیرامون ارجاعات پرتکرار و متنوع زمانی و مکانی آن. آدای دین کیوان نریمانی به سمت دیرپای شعر فارسی و اشارات لطیف و ظریف او به شعر گذشتگان، نکته دیگری است که اشاره به آن خالی از لطف نیست. به عنوان نمونه، آوردن بیت معروف «همی ریخت خون و همی کسب موی/ سرش پُر ز خاک و پُر از آب روی» از داستان رستم و سهراب (بیت ۸۸۶ در تصحیح دکتر خالقی مطلق) حین اشاره به اسطوره گیل‌گمش، و کشته شدن رقیب و سپس، رفیق او «انکیدو» در صفحه ۲۰، نقل قطعه شناخته‌شده «دجله به

محدوده بین‌النهرین (میان رودان) و اطراف آن و به ویژه ایران فرهنگی، رخ داده است. در این شعر چندزبانه که البته بخش اعظم آن به زبان فارسی امروز است، خواننده با عباراتی به زبان فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی دوره قاجار، فرانسه و انگلیسی روبه‌رو می‌شود که تأمل و تعمق درباره هریک از آن‌ها و تلاش برای رمزگشایی از آن عبارات (که بی‌شک تلاشی است لذت‌بخش و دلپذیر)، خواننده را به دنیاهای نو و سرزمین‌های کم‌و بیش ناشناخته‌ای رهنمون می‌شود که ممکن است، گشت‌وگذار در آن‌ها، ساعت‌ها زمان ببرد، ده‌ها برابر زمانی که برای خواندن سراسری شعر لازم است.

به عنوان نمونه، قطعاتی که به زبان فارسی میانه آمده‌اند، بخش‌هایی هستند از «گزارش شترنگ» که ظاهراً نخستین بار، «ملک الشعرا بهار» برگردان فارسی امروزی آن را به سال ۱۳۱۲ و در شماره ۷ مجله مهر به چاپ رساند و در کنار این‌ها، عباراتی از بندهای ۶، ۱۰ و ۱۳ مندرج در ستون نخست نقش برجسته یا کتیبه بیستون در نزدیکی کرمانشاه که ظاهراً بزرگ‌ترین کوه‌نوشته جهان است، به زبان فارسی باستان و نیز جملاتی از کوه‌نگاره «آنوبانی‌نی» در سرپل‌ذهاب که حدود ۲۰۰۰ سال قبل از کتیبه بیستون و حوالی ۲۲۰۰ پیش از میلاد تراشیده شده است، به زبان اکدی و آنچه این قطعات را جذاب‌تر می‌سازد، هم نشینی آن‌ها ست با عباراتی از

● شعرهای داندگان، گفت‌وگو با

است. در پیشگفتار کتاب آمده است: «این کتاب دو بخش دارد، ۱. اسطوره سیاسی در شاهنامه ۲. قدرت و فسادپذیری آن. اسطوره سیاسی منحصر به شاهنامه نیست. در میان ملت‌های دیگر نیز پیشینه دارد. نمونه رومی و یهودی آن را در این کتاب آورده‌ایم. نمونه‌های فراوان آن در شاهنامه دلیل غنای این کتاب است. قدرت و فسادپذیری آن، این مفهوم را به یونانیان باستانی نسبت داده‌اند و در شاهنامه در پیوند قدرت استبدادی مطرح شده است. در پایان کتاب، داستان ارمایل و گرمایل آمده است که برداشت جالبی است از فداکاری انسان در بحران‌های سیاسی و اجتماعی و نیز اسطوره‌ای است از پیدایش کردان و شکل‌گیری جامعه‌گرد».

حجت‌... اصیل، نویسنده این کتاب است که به کوشش ولی‌... و سیاوش درودیان و توسط نشر «صدای معاصر» در ۱۱۱ صفحه به بازار آمده است.

● سخن‌های داندگان، گفت‌وگو با

شاهنامه‌شناسان

۳۲ تن از بزرگ‌ترین شاهنامه‌شناسان دوران مابه ۲۸ پرسشی که دکتر محمدجعفر یاحقی درباره شاهنامه و فردوسی از آن‌ها پرسیده‌است، پاسخ‌داده‌اند. نام‌های بزرگی مانند جلال خالقی مطلق، میرجلال‌الدین کزازی، مه‌ری بهفر، سجاد آیدنلو، اوریش مارزلف، محمود امیدسالار، ابوالفضل خطیبی و ...، استادان و صاحب‌نظرانی در حوزه‌های مختلف از زبان و ادبیات تا تاریخ، مردم‌شناسی، شرق‌شناسی، واژه‌شناسی، ادبیات عامیانه، ترجمه، سیاست و جامعه‌شناسی که شاهنامه حلقه‌وصل ونقطه‌مشترک همه آن‌ها ست. این کتاب با خواستاری محمدجعفر یاحقی و به کوشش حامد مه‌راد به نتیجه رسیده است. دکتر یاحقی در مقدمه‌اش بر این کتاب نوشته است: «این مجموعه پرسش‌ها، که براساس تجربه‌ریافته بودیم پرسش بسیاری از شاهنامه‌دوستان و عموم علاقه‌مندان نیز هست، امیدواریم بتواند به گوشه‌ای از دغدغه‌هایی که در ذهن‌ها هست پاسخ بدهد و مهم‌تر از آن راه را برای پرسش‌های دیگر و دیگران نیز بگشاید».

● اسطوره‌سیاسی شاهنامه و چند مقاله دیگر کتاب «اسطوره سیاسی شاهنامه و چند مقاله دیگر» از آثار متأخری است که همان‌طور که از نامش پیداست، به شاهنامه از منظر سیاسی آن نگریسته شده است. اسطوره‌سیاسی شاهنامه و چند مقاله دیگر» از آثار متأخری است که همان‌طور که از نامش پیداست، به شاهنامه از منظر سیاسی آن نگریسته شده است. اسطوره‌سیاسی شاهنامه و چند مقاله دیگر» از آثار متأخری است که همان‌طور که از نامش پیداست، به شاهنامه از منظر سیاسی آن نگریسته شده است. اسطوره‌سیاسی شاهنامه و چند مقاله دیگر» از آثار متأخری است که همان‌طور که از نامش پیداست، به شاهنامه از منظر سیاسی آن نگریسته شده است.

دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جو به جو» در صفحه ۲۵، آوردن عبارت «بیار باده که بنیاد کوه بر باد است» در صفحه ۷۱ یا یادآور مطلع یکی از غزل‌های حافظ، یعنی «بیا که قصر اَمل سخت سست بنیاد است/ بیار باده که بنیاد عمر بر باد است»، خواهد بود، و نیز آنچه در صفحات ۷۴ و ۷۵ آمده که می‌تواند یادآور این سروده سهراب سپهری باشد: «آنی بود/ درها و آشفده بود/ برگ‌ی نه/ شاخی نه/ باغ فنا شده بود/.../ زیبایی تنها شده بود/ هر رودی دریا/ هر بودی/ بودا شده بود». و در پایان، حیف است از اشاره‌بدین نکته بگذریم که تمامی این پاره‌ها و قطعات رنگارنگ، اعم از نقل قول‌ها، نقیضه‌گویی‌ها، تلمیحات (که از واژه عربی لَمَح، به معنای جستن برق و نیز لَمَحَ، به معنای یک نظر می‌آید و صنعتی ادبی است که در آن شاعر، بدون تصریح، به یک متن، قصه، شعر، ترانه، یا اصطلاح هنری یا علمی، اشاره لطیفی می‌کند)، متون کهن، تکه شعرها و ترانه‌های دست‌کاری شده و نشده، همه و همه، در خدمت پرداخت روایتی هستند که در پی یافتن پاسخی برای این سؤال است که «استاد شطرنج باز را چه کسی کشته است؟»

استاد شطرنج باز را چه کسی کشته است؟
سروده کیوان نریمانی
ناشر نیلوفر، ۱۴۰۲
۸۸ صفحه، ۶۵ هزار تومان

